



بانوان بالاخیابان در اقدامی جهادی منطقه ثامن را در سوگ رهبر شهید سیاه پوش کردند

چادر عزای بر سر کوی و برون

۳



عکس: فاطمه جهادی/شهرآرا

مردم در کنار شهرداری به فضارایی کمک کردند

شهردار منطقه ثامن به اهمیت فضارایی محورهای اصلی منتهی به حرم مطهر رضوی اشاره کرد و گفت: بیش از ۴ هزار بنر، پرچم و پوستر تصویر رهبر شهید، شابلون و شومیز و پرچم‌های کوچک، ویژه راه پیمایی تهیه شده و در اختیار تشکل‌های مردمی و مساجد محوری قرار گرفته است. همچنین بیش از ۱۴ هزار متر طول پارچه ریسه‌ای مشکی، ۷۵۰ عدد پرچم بزرگ و ۶۰۰ عدد پرچم در ابعاد مختلف در مبادی منتهی به حرم مطهر و در امتداد بولوار شارسنجان نصب شده است. حسین عبدا...زاده به کمبود این اقلام در شهر اشاره کرد و افزود: به دنبال یک فراخوان و سازمان دهی نیروهای مردمی داوطلب، مشکلی در فضارایی منطقه و تأمین پرچم نداریم.



شهر خبر



داستان شکل‌گیری و تداوم یک قرار شاعرانه نوروزی در مسجد کرامت بالاخیابان

سپندوار؛ شب شعری که با حضور رهبر معظم انقلاب معنا گرفت

خانم‌های «پایین خیابان» با پخت نان برای بسیجیان به صحنه آمدند

یک تنور گرم در جبهه مسجد

داستان شکل‌گیری و تداوم یک قرار شاعرانه نوروزی در مسجد کرامت بالاخیابان

سپندوار؛ شب شعری که با حضور رهبر معظم انقلاب معنا گرفت



● «سپندوار»؛ نامی برگرفته از شعر رهبری
حجت الاسلام والمسلمین سید مسلم موسوی، شاعر خراسانی و از دیگر بنیان‌گذاران سپندوار می‌گوید: اکنون بیش از پانزده سال از طرح اولیه این ایده می‌گذرد. او همراه با عدالتی مجد و امیر مهدی حکیمی، هسته اولیه شکل‌گیری این شب شعر را تشکیل دادند. موسوی درباره انتخاب نام برنامه توضیح می‌دهد: «واژه سپندوار را از یکی از شعرهای خود رهبری برداشتم؛ بیتی که می‌گوید: دلم قرار نمی‌گیرد از فغان بی تو/ سپندوار ز کف دادم عنان بی تو. به گفته او، نزدیکی رهبر انقلاب با فضای شعر و ادبیات، انگیزه اصلی شکل‌گیری این برنامه بود. ایشان سال‌ها با ادبیات دمخوردند و دوستان شاعر زیادی داشتند. مامی خواستیم هنگام حضورشان در مشهد، یک استقبال شاعرانه شکل بگیرد و جامعه شعر نسبت به این حضور کاری بکنند. «محل که گسترده‌تر شد به مرور، سپندوار از یک گردهمایی محدود شهری فراتر رفت. موسوی می‌گوید: در دوره‌های مختلف، شاعران شناخته شده‌ای از مشهد، تهران و دیگر شهرها و حتی شاعرانی از خارج کشور در این شب شعر شرکت کردند. او از چهره‌هایی چون مرحوم شکوهی، استاد شفق، نیک، میلاد عرفان‌پور، علیرضا قزوه، ناصر فیض و محمد صالح اعلا به عنوان مهمانان این محفل نام می‌برد و اضافه می‌کند که در کنار برنامه‌های رسمی، شب‌های شعر خود جوش و مردمی نیز در حاشیه سپندوار شکل می‌گرفت. به گفته موسوی، هدف برنامه تنها شعر خوانی نبود: «رهبر انقلاب بارها بر معرفی ادبیات کشور تا کید کرده‌اند و ما هم می‌خواستیم سهمی در این مسیر داشته باشیم.»
امسال قرار است پس از چند سال وقفه دوباره و هم‌زمان با تشییع پیکر رهبر معظم انقلاب، سپندوار در مشهد برگزار شود.

اولین برنامه رادر مسجد کرامت، برگزار کردیم؛ جایی که پایگاه خود رهبری محسوب می‌شد. فکر کردیم چه مکانی مناسب‌تر از آنجا برای شعر خوانی شاعران خراسان.»
به گفته او، در همان ابتدا، ایده برگزاری برنامه با انجمن‌های ادبی شهر مطرح شد و استقبال گسترده‌ای به همراه داشت. عدالتی توضیح می‌دهد که هدف برگزاری کنندگان این بود که حضور نوروزی رهبر انقلاب در مشهد برای جامعه ادبی شهر به رخدادی منفعلانه تبدیل نشود: «نمی‌خواستیم ایشان به مشهد بیایند و شاعران بی تفاوت از کنار این حضور عبور کنند. به هر حال ایشان خود از چهره‌های مؤثر محافل ادبی کشور بوده‌اند و طبیعی بود شاعران خراسانی واکنشی فرهنگی نشان دهند.» به گفته عدالتی، از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ پنج شب شعر برگزار شد؛ سه برنامه در مسجد کرامت، و دو برنامه دیگر در خانه پدری رهبر انقلاب در کوچه سید جواد خامنه‌ای.

قاسم فتحی‌اشب شعر «سپندوار»، پیش از آنکه یک برنامه تقویمی باشد، نوعی قرار نانوشته میان شاعران مشهد است؛ دیداری که هر بار در روزهای پایانی سال شکل می‌گیرد و صداهای متفاوت شعر فارسی رادر یک فضا کنار هم می‌نشانند. محفلی که از اواخر دهه ۸۰ و در پی نشست‌های شعری هم‌زمان با سفرهای نوروزی رهبر معظم انقلاب به مشهد شکل گرفت و به تدریج هویتی مستقل پیدا کرد؛ هویتی که آن را از یک مراسم مناسبتی فراتر برد و به مجالس برای بازنمایی بخشی از جریان شعر معاصر شهر تبدیل کرد که سنت محافل ادبی در آن هنوز بر پایه دیدار حضوری و نشینیدن زنده شعر ادامه دارد. آن هم در حضور رهبری ادیب.
امسال اما این شب شعر در شرایطی متفاوت برگزار می‌شود؛ نخستین دوره‌ای که قرار است بدون حضور رهبر معظم انقلاب در مشهد برگزار شود و همین غیاب، معنایی غریب به این محفل داده است.

● مسجد کرامت، پایگاهی برای استقبال شاعرانه

حجت الاسلام والمسلمین علی عدالتی مجد، از پایه‌گذاران اصلی شب شعر سپندوار، شکل‌گیری این برنامه را به اواخر دهه ۸۰ نسبت می‌دهد؛ زمانی که ایده برگزاری یک شب شعر در استقبال از حضور نوروزی رهبر معظم انقلاب را با امیر مهدی حکیمی، مسئول وقت بخش هنری دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، مطرح کرد. عدالتی در آن زمان دبیر انجمن ادبی دعبیل و از فعالان حلقه شعر دفتر تبلیغات اسلامی بود. او درباره نخستین تجربه برگزاری این شب شعر می‌گوید:



خانم‌های «پایین خیابان» با پخت نان برای بسیجیان، به صحنه آمدند

یک تنور گرم در جبهه مسجد



● فعالیت در پشت صحنه
زهره بصیری اهل گناباد، کسی است که خمیرها را به نان تبدیل می‌کند. او به هر «چانه» خمیر، می‌گوید «ژواله»، یک چانه را برمی‌دارد و روی بالشتک مخصوص پهن می‌کند. یکی از خانم‌ها هم روی خمیر پهن شده، سبزیجات معطر می‌پاشد. بصیری می‌گوید: نانواایی را از مادرم یاد گرفتم. نانی که مادر درست می‌کنیم خیلی سالم است. او اضافه می‌کند: ما که نمی‌توانیم از نزدیک خدمت کنیم، سعی می‌کنیم در پشت صحنه فعال باشیم. تکتم غفوری هم دنباله حرف را می‌گیرد و می‌گوید: شرایط جنگی است. همه باید یکدل باشیم. اکنون مسجد و محله مطرح نیست، پای کشورمان در میان است. در حالی که صدای جزء خوانی قرآن در مسجد به زیر زمین هم می‌رسد، بوی نان بلند می‌شود. خمیرهای چانه زده، یک طرف روی پارچه‌ای بزرگ قرار گرفته‌اند و خانم‌ها در سویی دیگر دور تنور ایستاده‌اند. نان‌ها قرار است به حوزه ۸ بسیج‌الزهر^(۳) در نوغان فرستاده شود. دوباره خانم‌ها صلوات می‌فرستند. یکی از آن سو بلند می‌گوید سبزی‌اش را حتماً بزنید، خیلی خوشمزه می‌شود.

که می‌کنند، می‌گوید: از همان روزهای اول خواستیم مؤثر باشیم. تصمیم گرفتیم به جای اینکه در این شرایط جنگی، صف‌های نانواایی را اشغال کنیم، نان باکیفیت برای بسیجیان بپزیم. جمعه شب هم هفتاد پرس عدس پلو با کمک‌های مردمی پختیم.
این بانوی بسیجی در حین آماده‌سازی مواد اولیه برای پخت نان با اشاره به توطئه‌های دشمنان اضافه می‌کند: ما کارمان را بی اهمیت نمی‌دانیم؛ همان طور که یک مادر با تمام عشق و علاقه‌اش برای فرزندانش غذا درست می‌کند و می‌داند بچه‌هایش از آن عشق، نیرو می‌گیرند، ما هم در پشت جبهه این نان‌ها را با چاشنی دعا و توسل آماده می‌کنیم. از خدا هم می‌خواهیم نیرو و برکتی مضاعف در آن قرار دهد.

● همدلی در زمان جنگ

سیده زهرائیس الساداتی از بانوان بسیجی مسجد امام رضا^(۴) در بولوار وحدت است که برای آموزش به جمع خانم‌های مسجد امام هادی^(۵) پیوسته است. این بانو با بیان اینکه وقتی شرایط اضطراری است باید پایگاه‌های بسیج با هم ادغام شوند تا کارها با همدلی و مشارکت انجام شود، اضافه می‌کند: ما خانم‌ها فکر کردیم چه کاری از دستمان برمی‌آید تا در کنار سایر کارهای فرهنگی انجام دهیم. آمده‌ام اینجا تا ببینیم خانم‌ها با چه وسایلی و امکاناتی کار می‌کنند تا خودمان هم مشابه این اقدام رادر مسجد محله داشته باشیم.

سمیرا شاهیان ادرز زیر زمین مسجد امام هادی^(۶) محله پایین خیابان صدای خانم‌ها پیچیده است. یکی‌شان دعایی می‌خواند و بقیه با او هم نوایی می‌کنند. قرار است نان بپزند. وسایلشان ساده و جمع و جور است. یک تنور گازی دارند که از خادم مسجد به امانت گرفته‌اند، چند لگن پلاستیکی برای اینکه خمیرگیری کنند و یک دیگ برای گرم کردن آب. خانم‌ها از یکی دو ساعت پیش از اذان ظهر به مسجد آمده‌اند و طبق روال روزهای اول ماه مبارک، یک شبانه‌روز نماز قضا به جماعت خوانده‌اند. بعد از آن به زیر زمین آمده‌اند تا خمیرگیری کنند.
یکی از خانم‌ها که تبخیر بیشتری دارد و کار سنگین خمیرگیری با اوست، آهسته آهسته کمی نمک را به آب و لرم اضافه می‌کند. خانم‌های دیگر در این مرحله کاری ندارند. یکی دعای کند و بقیه صلوات می‌فرستند. کم‌کم خمیر جان می‌گیرد. چند مشت آرد روی آن می‌پاشند تا در زمانی که تخمیر صورت می‌گیرد و حجمش بالا می‌آید، به در ظرف نچسبد. در این مرحله همه خانم‌ها جلو می‌آیند و با یک «یا علی^(۷)» ظرف سنگین خمیر را بلند می‌کنند و در جای گرم می‌گذارند. بعد همگی پله‌های مسجد را بالا می‌روند تا بعد از نماز ظهر و عصر، بیایند و تنور نانواایی‌شان را گرم کنند.

● نمادی از عشق و توسل

سیده اقدس حقانی موسوی یکی از ساکنان پایین خیابان از کاری

بانوان بالاخیابان در اقدامی جهادی منطقه ثامن را
در سوگ رهبر شهید سیاه پوش کردند

چادر عزابر سر کوی وبرزن



نجمه موسوی در میان پارچه های سیاهی که سرتاسر زیرزمین مسجد امام صادق (ع) را پوشانده، سوزن، نخ، طناب، قیچی، ریسه و... فراوان است، پرچم سه رنگ کشورمان هم در اندازه های مختلف دورتادور دیده می شود که خانم ها با سوزن آن ها را روی بیرق های سیاه می دوزند، اما آنچه دل را می سوزاند، تصویر رهبر است که داغ دل بانوان محله بالاخیابان را تازه می کند و با هر عکسی که روی پارچه ای سیاه به آن سوزن می زنند، عزمشان برای رساندن پیام شهادت دوچندان می شود. این پارچه ها قرار است تا چهل روز، تمام منطقه را سیاه پوش کنند تا شهر هم رنگ غمی را که بردل مردم نشسته است، به خود بگیرد.

به عشق رهبر آمده ایم

بی بی حمیده ذوالفقاری خانه اش سمت خیابان مطهری است. یکی از نزدیکانش در ایتا پیام فراخوان راه او نشان داده است. همین طور که چرخ راه صدامی آورد می گوید: عضو بسیج نیستم ولی به عشق رهبرم آمده ام تا آماده پذیرایی از عزاداران رهبر باشیم. همیشه دوست داشتم کار جهادی کنم اما حیف که با رفتن رهبرم این اتفاق افتاد.

زینب موسوی هم پیام دعوت را در گروه دوستانه شان دیده و راهی مسجد امام صادق (ع) شده است. این مادر جوان که فرزند کوچکش را در خانه گذاشته و از خیابان عبادی برای کمک آمده است می گوید: چرخ کاری بدم، وقتی دیدم خانم ها دارند برای سیاه پوش کردن شهر خیاطی می کنند راه افتادم. دیروز که آمدم، دیدم چرخ هم لازم است. بعد از افطار دوباره برگشتم و چرخ سردوزم را هم با خودم آوردم. او که بی وقفه مشغول دوختن بنرهای بزرگ است می گوید: روزهای آیم و قبل از افطار برمی گردم خانه تا غذای بچه ها را بدهم. بعد از افطار با خانواده می آیم و همگی کمک می کنیم. مردم همه پای کار هستند. ساعت ۱۱ شب که ما می رویم هنوز عده ای مشغول هستند. چند دختر نو جوان گوشه ای از مسجد خیلی آرام مشغول هستند. عطیه نوروزی که با دوستانش فاطمه مهدوی و فاطمه وطن خواه با ظرافت و دقت حاشیه پارچه ها را روی شمع می سوزانند می گوید: این کار را به ما سپرده اند. این طوری پارچه هاریش نمی شوند و مقاومت بیشتری دارند.

نیروهای پشتیبان جبهه هستیم

از آن سوی کشور هم برای کمک آمده اند. مونا مقدم که از اهواز برای تشییع پیکر رهبر، خودش را به مشهد رسانده است می گوید: دختر خواهرم در خیابان رضوان مدرسه می رود و معلم بسیجش گفته با مادر رهایتان برای کمک بیایید. مادرش باردار است و به من گفت خاله همراهم بیاید. وقتی آمدم دیدم چقدر کار از دستمان برمی آید که انجام دهیم. عکس پدر شهید امت اسلامی را نگاه می کند. آهی می کشد و می گوید: همه جای ایران سرای من است. ماهمان نسلی هستیم که امام خمینی (ره) گفتند سربازان من در گهواره اند. ماهمان گهواره ای های دهه ۶ هستیم. معصومه امینی مادر بزرگ مهربانی است که با دهان روزه، ذکر می گوید و مشغول باز کردن طاقه های بزرگ است. او یادین این صحنه ها یاد روزهای جنگ ۸ ساله می افتد و می گوید: وقتی پیام فراخوان را در کانال «کنشگران انقلابی» دیدم به یاد روزهای دفاع مقدس افتادم که پشت جبهه مشغول بودیم. از میدان بار نوغان یا اتوبوس آمدم تا حرم، رفتم زیارت و بعد آمدم به آدرسی که در پیام بود. خیاطی بلام و هرکاری از دستم برمی آید انجام می دهم. این روزها هم جنگ سنگینی داریم و باید مانند گذشته پشتیبان رزمندگان هایمان باشیم.

چرخ خیاطی را برداشتم و آمدم

مریم رادپور هم از روز اول چرخ خیاطی اش را به مسجد آورد. او می گوید: ما خانم ها همه مان راسته دوزی را بلدیم. نصب بندک و دوخت عکس ها را هم با سرعت انجام می دهیم. هر کس هم یاد نداشته باشد به او یاد می دهیم تا سرعت کار بالا برود. مامهمان داریم. باید برای پذیرایی از عزاداران رهبرمان آماده باشیم. او که یکی از فعالان همین مسجد است ادامه می دهد: خانه مان در خیابان کاشانی است و به مسجد نزدیک هستیم. دخترهایم مهدیه و محدثه، بعد از افطار می آیند و کمک می کنند. ما حتی به بچه ها هم یاد می دهیم در کارهای گروهی مشارکت کنند. اینجا فقط همسایه ها دست به کار نشده اند. از محلات و شهرهای دیگر هم برای کمک آمده اند. مانند مرضیه درویشی که از بیرجند آمده است و یکی از افرادی است که روز و شب مشغول است. مرضیه خانم می گوید: وقتی خبر شهادت رهبرم را شنیدم برای مراسم به مشهد آمدم. یک روز بعد از افطار با خواهرم که عضو همین مسجد است آمدم و متوجه شدم که خانم ها مشغول خیاطی هستند. قسمت شد ما هم در این کارها مشارکت کنیم.

هر هنری دارید، بیایید

مریم نادری هنرمند خطاطی است که دست سه فرزندش را گرفته و برای کمک آمده است تا در پارچه نویسی ها کمک کند. فاطمه سادات عرفانی هم با اینکه چشم هایش برای خیاطی کردن یاری نمی کند، اما چرخ خیاطی اش را برداشته و به مسجد آورده تا هر کسی که از دستش می آید پای چرخ بنشیند. خودش هم گوشه ای از مسجد، روی زمین نشسته و در برش زدن پارچه کمک می کند. معصومه محسنی از بولوار رستمی آمده است، خیاط حرفه ای است و پیشنهاد داده یک طاقه پارچه به او بدهند. ببرد خانه، بدوزد و آماده کند و بیاورد. اینجا همه مشغول کارند. یکی بندک کنار پارچه ها را می دوزد و دیگری قیچی به دست دارد. آن ها که چرخ کاری بلدند پشت چرخ خیاطی نشسته اند و عده ای هم پرچم ایران و تصویر رهبر شهیدمان را با سوزن روی پارچه ها چانه می کنند تا به کار خیاط ها سرعت ببخشند. هر کس کارش تمام می شود، بی کار نمی نشیند. سراغ راضیه خانم می رود تا کار جدیدی به او بسپارد.

پارچه خریدیم و دست به کار شدیم

اولین ایده زمانی از ذهن راضیه طهرانیان گذشت که حس کرد شهر آن قدر که باید سیاه پوش نیست. با همسرش که عضو شورای اجتماعی محله بالاخیابان و امام جماعت مسجد امام صادق (ع) است مشورت کرد و وقتی متوجه شد چاپخانه ها به اندازه نیاز توان ندارند، پیشنهاد داد که خودشان دست به کار شوند. دیدم شهر آن طور که باید، رنگ عزان دارد. فضای آرای، بیشتر در حد حماسی است و آن قدر که دلمان برای از دست دادن رهبر غمگین است، شهرمان سیاه نیست. من معلم مدرسه هستم و با عیدی ای که دولت داد رفتم پارچه و تعدادی عکس آقا را خریدم و یاد و نغز از خانم ها کار دوختن پارچه های مشکی با عکس رهبر شهید را شروع کردیم. کار که شروع شد و پرده های سیاه در بولوار نصب شد. شهرداری منطقه ثامن هم پای کار آمد. چند طاقه پارچه و پایه پرچم به آن ها تحویل داد تا این همراهی، کار را تسریع کند. طهرانیان ادامه می دهد: وقتی اطلاع رسانی کردیم، از همه شهر حتی از همه کشور به کمکمان آمدند. چند تولیدی اعلام آمادگی کردند و مردم هم برای خرید پارچه با کیفیت مبالغ قابل توجهی کمک کردند. نجمه امانی که از اعضای اولیه این گروه است می گوید: ما هیچ وقت دست روی دست نمی گذاریم. بودجه اولیه را خودمان گذاشتیم و پارچه خریدیم و شروع کردیم. مردم هم وقتی دیدند کار جهادی است به کمک آمدند. الان بیشتر از ۴۰ چرخ خیاطی آورده اند و هر روز شب حدود ۴۰ نفر خانم مشغول هستند.



محلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

در جلسه اضطراری شورای اجتماعی محلات منطقه ثامن مطرح شد

برای میزبانی، آماده‌ایم



منتهی شود سبیل جمعیت توان و انرژی مضاعفی پیدا خواهند کرد. مهری سبزی، عضو شورای اجتماعی محله پایین خیابان نیز از همراهی بانوان محله مانند همیشه خبر داد و گفت: علاوه بر تجمعات شبانه، پخت نان، تأمین پارچه‌های سیاه، خیاطی و دوختن پرچم و پارچه‌هایی با تصویر رهبر شهید و تهیه تابلوهایی با خطاطی و نقاشی توسط دختران هنرمند بسیجی، فقط بخشی از فعالیت‌های شبانه‌روزی اهالی در این روزهای هم‌بستگی و خروش است.

شناسایی و معرفی کنند. بحث شناسایی اماکن با ظرفیت اسکان و پناهگاهی، پیشنهاد اسکان مردم در زائرسراها و مساجد و تکالیف بزرگ منطقه از دیگر موارد مطرح شده بود. سید مهدی مرجانی یکی از اعضای شورای اجتماعی بالا خیابان، بحث فراخوان برای جمع‌آوری داروهای مازاد در خانه‌ها و همچنین آموزش‌های فوری امداد رسانی در موقعیت بحران را مطرح کرد. حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا پاشایی، عضو شورای اجتماعی بالا خیابان نیز اعلام کرد که بچه‌های بسیج مسجد حنظله علاوه بر کارهای رسانه‌ای در بحث شعارنویسی با پیام‌های نوید بخش پیروزی حق علیه باطل که بارروانی مثبتی دارد، پای کار خواهند بود.

همراهی بانوان پایین خیابان

محسن پاشایی، عضو شورای اجتماعی محله پایین خیابان، همسو بودن تجمعات حماسی اهالی را مهم دانست و گفت: اگر خروش شبانه مردم از مساجد محله شان به یک مقصد مشخص در منطقه

نجمه موسوی جلسه اضطراری شوراها و اجتماعات محلات منطقه ثامن در معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه برگزار شد. در این جلسه اعضای شورای اجتماعی محلات پایین خیابان و بالا خیابان، ائمه جماعات و فعالان فرهنگی و اجتماعی منطقه حضور داشتند تا درباره موضوع‌های مهمی که در روزهای گذشته در کشور و شهر مشهد رخ داده است، هم‌اندیشی کنند.

مدیریت بحران در بالا خیابان

در این جلسه آمادگی برای شرایط جنگی و اسکان زائران عزاداری که برای وداع با بیکر مطهر رهبر شهید به مشهد مشرف می‌شوند، مطرح شد. زائرانی که بیشترین زمان حضورشان در منطقه ثامن سپری می‌شود و بحث اسکان و تأمین نان و کالاهای اساسی برای آن‌ها یکی از موضوع‌های مهم این روزهاست. محمد واحدی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ثامن، از فعالان منطقه خواست تا همت مضاعف داشته باشند و ظرفیت‌های منطقه را

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۴۲۶۱۹۱۳ در پیام رسان ایتا بفرستید.



حمایت مادرانه از حافظان امنیت

بانوان محله پایین خیابان مانند همیشه در صحنه حضور دارند. بانوانی که در این شب‌های سرد، مادرانه سفره‌های افطار و سحر خانواده را گرم نگه می‌دارند و هم‌انگیزه بخش نیروهای جان‌برکف بسیج و حافظان امنیت هستند و مانند فرزندان خود هر شب با تجمعات در خیابان وحدت از آن‌ها حمایت می‌کنند.



خروش عزاداران منتقم

موسوی اهالی بالا خیابان هر شب بعد از افطار، جلوی مسجد صاحب‌الزمان (عج) در خیابان هاتف جمع می‌شوند و دقایقی کوتاه را پای مداحی جانسوز کربلایی علیرضا غفوریان برای رهبر شهید، عزاداری می‌کنند. پس از آن خروش یک ملت را به رخ می‌کشند و با حضور کاروان پیاده و خودرویی نشان می‌دهند که همیشه پیرو رهبر غیور خود هستند.

حضور بی‌شمار مردم در رضوان

یکی از مراکز اصلی تجمع شبانه‌اهالی بالا خیابان جلوی مسجد و حسینیه علی‌اکبری‌های نوغان در بولوار رضوان (سید حسن نصر...) است. خیابانی که شب‌ها شاهد حضور بی‌شمار جمعیت عاشقی است که می‌دانند در جنگ رمضان، کوچه‌ها و خیابان‌های شهر، میدان نبرد است و این میدان را خالی نمی‌کنند. هر شب علاوه بر اینکه نمازگزاران این مسجد، در خیابان حاضر شده و شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را سر می‌دهند، عزادارانی از مساجد مختلف، پس از راه پیمایی به جمع آنان در بولوار رضوان می‌پیوندند و موج خروشان را تشکیل می‌دهند.



صدای انقلاب، از کوچه راد به تمام شهر

حضور حماسی و پر شور کاروان خودرویی اهالی پایین خیابان از مسجد حاج آخوند و پایگاه شهید مدنی در کوچه راد آغاز می‌شود. جوانان پر شور این پایگاه هر شب بعد از تلاوت قرآن، از کوچه‌های کنار حرم مطهر امام رضا (ع)، راهی خیابان‌ها و میادین اصلی شهر می‌شوند تا صدای خروش یک ملت را به گوش همگان برسانند.

